

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Federalism in Iraq and Its Role in Linguistic Diversity and the Right to Learn and Use the Mother Tongue

Mudher Dahham Khalaf¹, Mohammad Sharif Shahi^{*2}, Saad Abdullah Khalaf³, Zeynab Poorkhaghan Shahrezaee²

1. PhD student in Public law, Department of Public law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor, Department of law, Isf.C., Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Assistant Professor, Department of law, Faculty of law, University of Baghdad, Baghdad, Iraq.

* Corresponding Author's Email: dr.shahi@iau.ac.ir

ABSTRACT

Iraq, as a multi-ethnic and multilingual country composed of groups such as Arabs, Kurds, Turkmen, and Assyrians, faces both challenges and opportunities in managing linguistic diversity. Within a federal structure, decentralization of power to various regions enables them to implement their own cultural and educational policies, including instruction in the mother tongue. Based on the provisions of the Iraqi Constitution, the right to learn in one's mother tongue is officially recognized, and some regions, such as the Kurdistan Region, represent a successful example of implementing these rights by using the Kurdish language in education and government institutions. In addition to the emphasis on mother tongue use in education, these linguistic rights have also expanded into other domains, such as media and administrative affairs. Nevertheless, the implementation of such policies encounters obstacles such as disparities in resources, political stability, and the autonomy of the regions. At times, the dominance of one language can overshadow the role of minority languages. In this study, the researcher adopts a descriptive-analytical approach to examine the role of federalism in Iraq with a focus on linguistic diversity and the right to learn and use the mother tongue. The findings of the research indicate that federalism is not only a significant mechanism for safeguarding linguistic diversity in Iraq but also contributes to strengthening social cohesion and cultural identity. This study recommends focusing on equitable resource allocation and enhancing cooperation between local and national governments to ensure the preservation of minority languages and reinforce their position in the country's sustainable development.

Keywords: *Federalism in Iraq, Linguistic Diversity, Right to Learn, Mother Tongue.*

How to cite: Dahham Khalaf, M., Sharif Shahi, M., Abdullah Khalaf, S., & Poorkhaghan Shahrezaee, Z (2025). Federalism in Iraq and Its Role in Linguistic Diversity and the Right to Learn and Use the Mother Tongue. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 3(3), 1-21.



تاریخ ارسال: ۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
 تاریخ بازنگری: ۱۳ تیر ۱۴۰۴
 تاریخ پذیرش: ۲۴ تیر ۱۴۰۴
 تاریخ چاپ: ۲۳ مهر ۱۴۰۴

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

فدرالیسم در عراق و نقش آن در تنوع زبانی و حق بر آموختن و کاربرد زبان مادری

مضر دحام خلف^۱، محمدشریف شاهی^{۲*}، سعد عبدالله خلف^۳، زینب پورخاقان شاهرضایی^۲

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه بغداد، بغداد، عراق.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: dr.shahi@iau.ac.ir

چکیده

عراق به عنوان کشوری چند قومیتی و چندزبانه شامل گروه‌هایی نظیر اعراب، کردها، ترکمن‌ها و آشوری‌ها، با چالش‌ها و فرصت‌هایی در زمینه مدیریت تنوع زبانی روبه‌رو است. در ساختار فدرالی، تمرکززدایی قدرت به مناطق مختلف این امکان را می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی و آموزشی مختص خود را اجرا کنند، از جمله آموزش به زبان مادری. بر اساس مواد قانون اساسی عراق، حق یادگیری به زبان مادری به رسمیت شناخته شده و برخی مناطق مانند اقلیم کردستان با استفاده از زبان کردی در آموزش و نهادهای دولتی نمونه موفق از اجرای این حقوق محسوب می‌شوند. علاوه بر تأکید بر کاربرد زبان مادری در آموزش، این حقوق زبانی در حوزه‌های دیگر نظیر رسانه‌ها و امور اداری نیز گسترش پیدا کرده است. با این وجود، پیاده‌سازی این سیاست‌ها با موانعی همچون تفاوت‌های منابعی، ثبات سیاسی و استقلال مناطق مواجه است. گاه تأکید یک زبان غالب می‌تواند نقش زبان‌های اقلیت را تحت‌الشعاع قرار دهد. محقق در این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی نقش فدرالیسم در عراق با تأکید بر تنوع زبانی و حق یادگیری و استفاده از زبان مادری پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که فدرالیسم نه تنها ابزار مهمی برای حفاظت از تنوع زبانی در عراق است، بلکه باعث تقویت انسجام اجتماعی و هویت فرهنگی نیز می‌شود. پیشنهاد پژوهش حاضر، تمرکز بر تخصیص منابع برابر و تقویت همکاری میان دولت‌های محلی و ملی است تا زبان‌های اقلیت حفظ شده و جایگاه آن‌ها در توسعه پایدار کشور تقویت گردد.

کلیدواژگان: فدرالیسم در عراق، تنوع زبانی، حق بر آموختن، زبان مادری.

نحوه استناددهی: دحام خلف، مضر، شریف شاهی، محمد، عبدالله خلف، سعد. و پورخاقان شاهرضایی، زینب. (۱۴۰۴). فدرالیسم در عراق و نقش آن در تنوع زبانی و حق بر آموختن و کاربرد زبان مادری. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۳(۳)، ۱-۲۱.



فدرالیسم به عنوان ابزاری در مدیریت تنوع زبانی در عراق، فرصتی منحصربه‌فرد برای ترویج و حفظ حقوق زبانی اقلیت‌ها فراهم کرده است. عراق به عنوان یک کشور چندقومیتی و چندزبانه، شامل گروه‌هایی چون اعراب، کردها، ترکمن‌ها و آشوری‌ها، از دیرباز با مسائل هویتی و زبانی مواجه بوده است. ظهور فدرالیسم پس از تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵، ساختاری منعطف برای مدیریت این تنوع چندلایه اجتماعی ایجاد کرد. اما همچنان پرسش‌های زیادی درباره توانایی این مدل حکمرانی در تضمین حقوق زبانی اقلیت‌ها و تحکیم انسجام ملی باقی است. در این ساختار، فدرالیسم به عنوان چارچوبی برای تمرکززدایی از قدرت، نه تنها به حکومت‌های محلی اجازه می‌دهد تا سیستم‌های آموزشی ویژه برای زبان مادری خود ایجاد کنند، بلکه سیاست‌گذاری‌های مستقلی برای نهادهای فرهنگ قومیت‌ها را ممکن می‌سازد. از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها، اقلیم کردستان است که با استفاده از زبان کردی در آموزش و ادارات دولتی، به الگویی مشخص در تضمین حقوق زبانی بدل شده است. اما این موفقیت‌ها در سایر مناطق عراق با چالش‌هایی از جمله کمبود منابع، عدم شفافیت سیاست‌گذاری و موانع سیاسی مواجه شده است. موضوع حقوق زبانی اقلیت‌ها در عراق تنها مسأله‌ای حقوقی یا سیاسی نیست، بلکه ریشه در تاریخ و فرهنگ این کشور دارد. زبان به مثابه ابزاری برای حفاظت از هویت فرهنگی و گسترش آگاهی اجتماعی، برای گروه‌های زبانی مختلف اهمیتی استراتژیک دارد. تصدیق و به رسمیت شناختن زبان‌های اقلیت‌ها در قانون اساسی عراق گامی اساسی در جهت پذیرش تکثرگرایی و تقویت همزیستی مسالمت‌آمیز بوده است. نیاز قانونی به آموزش زبان مادری به‌ویژه در مناطق چندزبانه نظیر کرکوک و موصل اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. این نیازها از تاریخچه‌ای طولانی از بی‌توجهی نسبت به حقوق زبانی سرچشمه گرفته و به همین دلیل حمایت قانونی از

این حق، به حفظ هویت گروه‌های به حاشیه‌رانده شده کمک شایانی می‌کند. تاریخ عراق گواه دوره‌های پیوسته‌ای از تعامل، گاه تنش، و گاه هم‌زیستی اقوام است که زبان در آن نقشی کلیدی ایفا کرده است. از این رو، فدرالیسم می‌تواند بستری برای زدودن تأثیرات منفی تاریخی و احیای هویتی پایدار برای اقوام تحت فشار فراهم آورد. یکی از نکات کلیدی در مدیریت فدرالی تنوع زبانی، تأمین منابع آموزشی و ایجاد هماهنگی میان سیاست‌گذاری‌های محلی و ملی است. چشم‌انداز آینده شناخت و تضمین حق زبان مادری نیز به سیاست‌های بلندمدت بستگی دارد. اگرچه در قانون اساسی عراق حقوق زبانی به رسمیت شناخته شده‌اند، اما ضعف‌های اجرایی و نبود ابزارهای پایش این حقوق، تهدیدی برای استمرار و گسترش آن‌ها محسوب می‌شود. برای دستیابی به یک جامعه متکثر و عادلانه در عراق، تقویت این ابزارها امری ضروری به نظر می‌رسد. مدیریت تنوع زبانی در قالب فدرالیسم نه تنها به تحکیم حقوق اقلیت‌های زبانی کمک می‌کند، بلکه فرصت‌هایی برای تقویت همبستگی ملی نیز فراهم می‌آورد. تنوع زبانی در عراق اگرچه با چالش‌هایی فرهنگی و سیاسی همراه بوده، اما در عین حال ظرفیت بالقوه‌ای برای تبدیل شدن به ابزاری تحول‌آفرین در راستای وحدت و پیشرفت کشور دارد. از منظر دیگری، سیاست‌های زبانی در عراق باید بر پایه احترام به تفاوت‌های فرهنگی و حقوق بشری طراحی شوند. رعایت اصول عدالت اجتماعی در تخصیص منابع و فرصت‌ها ماهیتی کلیدی در موفقیت مدل فدرالی این کشور ایفا می‌کند. تنها از این طریق می‌توان تسلط زبان‌های غالب را کاهش داد و فضا را برای رشد زبان‌های اقلیت فراهم کرد. به‌رغم دستاوردهای محدود عراق در حوزه فدرالیسم زبانی، این کشور همچنان نیازمند سیاست‌هایی جامع برای هماهنگی میان نیازهای تاریخی و خواسته‌های معاصر است. قانون‌گذاری‌های مرتبط با زبان باید به‌گونه‌ای تدوین شوند که بتوانند هم‌زمان به قواعدی محلی و ارزش‌هایی ملی پاسخ دهند. موفقیت این مسیر، به تعهد

سیاسی، حمایت مالی و آگاهی عمومی وابسته است. در مجموع، بررسی فدرالیسم و نقش آن در ارتقای تنوع زبانی عراق نشان می‌دهد که این مدل حکومتی در عین حال که می‌تواند به چالش‌های زبانی پاسخ دهد، فرصتی برای احیای ارزش‌های مشترک در چارچوبی کثرت‌گرا نیز ایجاد می‌کند. نقش سیاست‌گذاران، محققان و فعالان زبانی در تضمین تحقق این اهداف غیرقابل چشم‌پوشی است.

چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

ابتدا برای بررسی موضوع پژوهش بایستی تعاریف موجود و پیشینه‌های موجود در زمینه موضوع پژوهش بیان شوند:

تعریف فدرالیسم

فدرالیسم در عراق به عنوان مکانیزمی برای مدیریت تنوع زبانی و فرهنگی جامعه، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده است (Zangeneh, 2013). مبانی نظری این بحث بر این نکته تأکید دارد که فدرالیسم به واسطه تمرکز زدایی از قدرت و فراهم کردن امکان سیاست‌گذاری منطقه‌ای، ظرفیت قابل توجهی در حمایت از حقوق اقوام و زبان‌های اقلیت دارد.

ارتباط میان فدرالیسم، حقوق اقلیت‌ها، و تنوع زبانی

فدرالیسم به عنوان یک نظام حکومتی، بر تقسیم قدرت میان دولت مرکزی و دولت‌های محلی یا ایالتی تأکید دارد. این نظام، با هدف تأمین استقلال نسبی مناطق مختلف و حفظ یکپارچگی کشور، شرایطی را فراهم می‌کند که حقوق اقلیت‌ها و تنوع زبانی بهتر مورد توجه قرار گیرد. یکی از مزایای اصلی فدرالیسم، امکان شناسایی تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی و زبانی در قالب سیاست‌های محلی و قوانین ایالتی است. این امر به ویژه در کشورهایی که از تنوع قومی و زبانی بالایی برخوردارند، اهمیت دارد، زیرا فدرالیسم می‌تواند فرصتی برای مشارکت سیاسی و فرهنگی اقلیت‌ها ایجاد کند و از تمرکزگرایی افراطی که ممکن است منجر به سرکوب حقوق اقلیت‌ها شود، جلوگیری نماید.

حقوق اقلیت‌ها در چارچوب نظام‌های فدرال معمولاً در قانون اساسی تضمین می‌شود و دولت‌های محلی در تنظیم قوانین داخلی خود، به این حقوق احترام می‌گذارند. این موضوع شامل مواردی همچون حفظ هویت فرهنگی، آزادی زبان، و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است (Ahmed, 2023). در بسیاری از نظام‌های فدرال، مناطق محلی این امکان را دارند که زبان‌های بومی یا محلی را به عنوان زبان رسمی تعیین کنند و از آموزش به زبان مادری حمایت نمایند. مثال‌هایی از این رویکرد را می‌توان در کشورهای نظیر کانادا و سوئیس مشاهده کرد، که در آن‌ها اقلیت‌های زبانی و قومی از طریق ساختار فدرالی توانسته‌اند حقوق فرهنگی و زبانی خود را حفظ کنند.

تنوع زبانی نیز در نظام‌های فدرال به عنوان یک منبع غنی فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود. فدرالیسم از طریق واگذاری قدرت به مناطق محلی، فضایی را برای تحقق سیاست‌های چندزبانه فراهم می‌سازد، به گونه‌ای که فرهنگ‌ها و زبان‌ها بتوانند بدون تهدید یکپارچگی ملی رشد کنند. این امر برای جوامعی که خطر از بین رفتن زبان‌های بومی یا محلی‌شان وجود دارد، حیاتی است. از سوی دیگر، راهکارهای مناسب در فدرالیسم موجب کاهش تنش‌های قومی و زبانی می‌شود، چرا که گروه‌های اقلیت احساس می‌کنند در حکومت و مدیریت کشور نقش فعالی دارند و حقوق آن‌ها مورد احترام واقع می‌شود. با این حال، موفقیت این رابطه میان فدرالیسم، حقوق اقلیت‌ها و تنوع زبانی، تا حد زیادی به نحوه اجرای قوانین و سیاست‌های عملی بستگی دارد. اگر حکومت مرکزی تمایلی به انتقال واقعی قدرت به مناطق محلی نداشته باشد یا اگر دولت‌های محلی از حقوق اقلیت‌ها سوءاستفاده کنند، ممکن است فدرالیسم به جای کاهش تضادها، نقش معکوس ایفا کند. بنابراین، ایجاد سازوکارهایی برای حفظ تعادل میان قدرت مرکزی و محلی ضروری است تا حقوق اقلیت‌ها بدون ایجاد شکاف‌های عمیق‌تر در جامعه حفظ شود (Manooyi et al., 2022). یکی

خود را درک و بیان کنند، که این امر پایه‌گذار توسعه پایدار فردی و جمعی است. عدم توجه به این حقوق می‌تواند منجر به از دست رفتن زبان‌های بومی و در کنار آن، بخش مهمی از هویت فرهنگی جوامع شود. از این رو، سیاست‌گذاری‌های آموزشی باید به نحوی طراحی شوند که آموزش به زبان مادری را به عنوان بخشی از برنامه‌های رسمی مدارس به رسمیت بشناسند.

توسعه فرهنگی جوامع ارتباط مستقیمی با ارزش‌گذاری به زبان‌های بومی و ترویج آموزش به زبان مادری دارد. تنوع زبانی نه تنها یکی از منابع اصیل فرهنگی بشر به شمار می‌رود، بلکه ابزاری برای تقویت خلاقیت، همزیستی، و نوآوری فرهنگی است. آموزش به زبان مادری باعث می‌شود فرهنگ‌ها در حاشیه قرار نگیرند و هویت‌های زبانی مختلف بتوانند در یک نظام اجتماعی مسالمت‌آمیز و مشارکتی زندگی کنند. در بسیاری از جوامع، به ویژه در کشورهایی که اقلیت‌های زبانی متعددی وجود دارند، آموزش به زبان مادری می‌تواند به کاهش تنش‌های اجتماعی و تقویت انسجام ملی کمک کند. از منظر حقوق بشر، آموزش زبان مادری یک ابزار مهم برای تحقق عدالت اجتماعی و کاهش تبعیض‌های زبانی و فرهنگی است. اقلیت‌های زبانی معمولاً با چالش‌هایی همچون کمبود منابع آموزشی و بی‌توجهی به زبان مادری خود مواجه هستند، که این موضوع می‌تواند شکاف‌های اجتماعی و فرهنگی میان گروه‌های مختلف را تشدید کند. به همین دلیل، سیاست‌های مربوط به آموزش زبان مادری باید به گونه‌ای تنظیم شوند که تمامی گروه‌های زبانی در بهره‌گیری از منابع و فرصت‌های آموزشی برابر باشند. تاکید بر حقوق زبانی در کنار ابتکاراتی مانند تولید محتوای آموزشی به زبان‌های بومی، می‌تواند گام مؤثری در جهت حفظ زبان‌های در معرض خطر و ارتقاء عدالت آموزشی باشد (Noormohammadi, 2017). در مجموع، حقوق زبانی و آموزش زبان مادری نقش بسیار مهمی در پیشبرد توسعه فرهنگی، اجتماعی و انسانی ایفا می‌کنند. زبان

از چالش‌های دیگر، ایجاد توازن میان احترام به تنوع زبانی و حفظ وحدت ملی است. اگرچه فدرالیسم می‌تواند مشارکت اقلیت‌ها را تقویت کند، اما در برخی موارد ممکن است منجر به جدایی طلبی شود، به ویژه اگر اقلیت‌ها احساس کنند به طور کامل از حمایت دولت مرکزی برخوردار نیستند. بنابراین، سیاست‌های زبانی و قومی در نظام‌های فدرال باید به گونه‌ای طراحی شوند که به طور همزمان هویت‌های محلی و هویت ملی را تقویت کنند. این توازن حساس یکی از عوامل کلیدی موفقیت یا شکست نظام‌های فدرال در رسیدگی به مسائل اقلیت‌ها است.

مبانی نظری حقوق زبانی و اهمیت آموزش زبان مادری در توسعه فرهنگی

حقوق زبانی به عنوان بخشی از حقوق بنیادین بشر، بر اهمیت حفظ و حمایت از تنوع زبانی و فراهم‌سازی شرایط مناسب برای استفاده آزادانه از زبان‌های مختلف تأکید دارد. این حقوق، که در اسناد بین‌المللی نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، قومی، زبانی و مذهبی تعریف شده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای در جوامعی با تنوع زبانی برخوردارند. مبانی نظری حقوق زبانی بر اساس اصولی همچون حق هویت فرهنگی، مشارکت برابر در جامعه و حفظ میراث زبانی پایه‌ریزی شده است. زبان به عنوان ابزار اصلی ارتباط و انتقال دانش، نقشی اساسی در شکل‌دهی هویت افراد و گروه‌ها ایفا می‌کند، و حقوق زبانی به دنبال تضمین این است که تمامی افراد آزادانه از زبان مادری خود در زندگی شخصی و عمومی استفاده کنند. آموزش زبان مادری یکی از مهم‌ترین جنبه‌های حقوق زبانی است که تأثیر مستقیمی بر توسعه فرهنگی و اجتماعی جوامع دارد. دسترسی به آموزش به زبان مادری نه تنها به درک بهتر مفاهیم آموزشی کمک می‌کند، بلکه حس تعلق فرهنگی و اعتماد به نفس را در افراد تقویت می‌کند (Gunter, 2011). کودکان زمانی که به زبان مادری خود آموزش می‌بینند، بهتر می‌توانند تجربیات و دانش‌های

مادری نه تنها ابزاری برای انتقال دانش است، بلکه بخشی از هویت و میراث جوامع مختلف را تشکیل می‌دهد. حمایت از حقوق زبانی از طریق آموزش به زبان مادری نه تنها به حفظ تنوع فرهنگی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد جوامعی عادلانه‌تر، یکپارچه‌تر و پایدارتر نیز منجر می‌شود. در این مسیر، وظیفه دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی است که با ایجاد ساختارهایی مناسب، از تنوع زبانی حمایت کرده و تضمین کنند که هیچ فرد یا گروهی به دلیل زبان خود از حقوق اساسی محروم نماند.

بررسی تاریخیچه

در این قسمت به بررسی تاریخیچه تنوع زبانی و مباحث مرتبط پرداخته خواهد شد.

تاریخیچه تنوع زبانی در عراق و تأثیر سیاست‌های حکومتی

عراق به عنوان یکی از کشورهای دارای تنوع زبانی فراوان، از دیرباز محل همزیستی گروه‌های زبانی و قومی مختلف بوده است. این کشور با ترکیب جمعیتی گوناگون شامل عرب‌ها، کردها، ترکمن‌ها، آشوریان و سایر اقلیت‌های زبانی، نمود بارزی از تنوع زبانی در خاورمیانه به شمار می‌رود. زبان عربی به دلیل اکثریت جمعیتی عرب‌ها و نقش تاریخی آن به عنوان زبان حکومت و فرهنگ غالب، همواره زبان رسمی عراق بوده است (Mouloud, 2019). در کنار عربی، زبان کردی نیز به عنوان زبان گروه بزرگی از کردهای شمال عراق، جایگاه ویژه‌ای دارد و پس از تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵، به عنوان یکی از زبان‌های رسمی کشور به رسمیت شناخته شد. با این حال، دیگر زبان‌های اقلیت، همچون ترکمنی، آشوری و مندایی، با توجه کمتری مواجه بوده‌اند و در ادوار مختلف، میزان حمایت حکومتی از این زبان‌ها متفاوت بوده است. سیاست‌های حکومتی در عراق همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ یا محدودیت تنوع زبانی این کشور داشته‌اند. در دوره حکومت‌های سلطنتی و پس از آن در دوران جمهوری، سیاست‌های ملی‌گرایانه و تأکید بر عربی‌سازی، زبان‌های اقلیت‌ها

را تا حد زیادی تحت فشار قرار داد. به ویژه در دوران حکومت حزب بعث، سیاست‌های تمرکزگرایانه به شدت بر تضعیف زبان‌های غیرفعال عربی متمرکز بود و بسیاری از مدارس و نهادهای فرهنگی از استفاده از زبان‌های اقلیت منع شدند (Hadi Al-Shukrawi, 2021). این دوره از تاریخ عراق، که با سرکوب هویت‌های فرهنگی و زبانی گروه‌های غیرعرب همراه بود، باعث شد که بسیاری از زبان‌های محلی در معرض تهدید قرار گیرند و بخش‌هایی از تنوع فرهنگی کشور از بین برود.

با سقوط رژیم بعث در سال ۲۰۰۳ و شکل‌گیری یک نظام سیاسی جدید، فضای بیشتری برای به رسمیت شناختن تنوع زبانی فراهم شد. قانون اساسی سال ۲۰۰۵ با تأکید بر فدرالیسم و حقوق اقلیت‌ها، شرایطی را برای بازگشت زبان‌های محلی به بخش‌های مختلف آموزش، رسانه و اداره کشور فراهم کرد (Wing, 2012). رسمیت یافتن زبان کردی در کنار عربی و گسترش حقوق فرهنگی اقلیت‌ها مانند ترکمن‌ها و آشوریان، گامی مهم در جهت حمایت از تنوع زبانی به شمار می‌رفت. اگرچه این تغییرات امیدهای زیادی برای تقویت وضعیت زبان‌های اقلیت ایجاد کرد، اما در عمل، اجرای این سیاست‌ها با چالش‌های فراوانی همچون نبود زیرساخت‌های کافی و تنش‌های سیاسی میان گروه‌های مختلف مواجه بوده است. تأثیر سیاست‌های حکومتی بر تنوع زبانی عراق را می‌توان در جنبه‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی مشاهده نمود. برای مثال، بازگشت زبان کردی به نظام آموزشی در منطقه اقلیم کردستان، تأثیر مثبتی بر حفظ و گسترش این زبان داشته است. همچنین افزایش برنامه‌های رسانه‌های کردی و فراهم آوردن امکان استفاده از زبان‌های محلی در امور رسمی و غیررسمی، نشانه‌ای از تقویت حقوق زبانی است (Ahmadi, 2019). با این حال، زبان‌های دیگر مانند ترکمنی و آشوری همچنان در حاشیه قرار دارند و حمایت‌های عملی کافی از آن‌ها صورت نگرفته است. نبود یک رویکرد یکپارچه و سازوکارهای مناسب در سیاست‌های

مانند ایران نیازمند تغییرات ساختاری و رویکردهای قانونی گسترده است.

هند یکی از موفق‌ترین کشورها در زمینه اجرای فدرالیسم زبانی محسوب می‌شود. تنوع زبانی در هند از طریق نظام ایالتی مدیریت شده است و هر ایالت اجازه دارد زبان‌های اصلی و رسمی خود را تعیین کند. این سیاست از زمان استقلال هند در سال ۱۹۴۷، به کاهش تنش‌های زبانی و ایجاد احساس مشارکت در میان اقلیت‌های زبانی کمک کرده است. هند با وجود بیش از ۲۲ زبان رسمی و صدها زبان منطقه‌ای و محلی، توانسته است ساختاری را ارائه دهد که حقوق زبانی اقلیت‌ها را تضمین کند و هم‌زمان انسجام ملی را حفظ نماید. یکی از چالش‌های هند در این زمینه، مشکلات اجرایی در بخش آموزش و ترجمه قوانین به زبان‌های مختلف است، اما تجربه هند نشان می‌دهد که فدرالیسم زبانی می‌تواند یک ابزار قدرتمند برای مدیریت تنوع زبانی و تقویت همزیستی باشد. در سایر کشورها نیز مثال‌هایی از موفقیت و همزیستی چالش‌های فدرالیسم زبانی وجود دارد (نیری و انصاری، ۱۳۹۱: ۱۶۹). کانادا با رسمیت بخشیدن به دو زبان رسمی، انگلیسی و فرانسوی، در سطح ملی، تلاش کرده است تا حقوق زبانی اقلیت فرانسوی‌زبان در استان کبک را حفظ کند و هم‌زمان وحدت کشور را تقویت نماید. سیاست‌های زبانی کانادا باعث ارتقاء سطح آموزش زبان‌های رسمی و حفظ هویت فرهنگی گروه‌های مختلف شده است. با این حال، مواردی همچون اختلافات زبانی میان استان‌های انگلیسی‌زبان و کبک نشان‌دهنده چالش‌های موجود در عملی کردن حقوق زبانی در چارچوب فدرالیسم است. مدیریت این تضادها تاکنون با سیاست‌های سازنده‌ای نظیر حمایت از برنامه‌های آموزشی دوزبانه و تعاملات فرهنگی میان استان‌ها صورت گرفته است.

در سوئیس، فدرالیسم زبانی به یکی از ارکان اصلی ثبات سیاسی و فرهنگی تبدیل شده است. این کشور با چهار زبان رسمی شامل

زبانی عراق، یکی از موانع اصلی در تحقق کامل حقوق زبانی اقلیت‌ها بوده است. در مجموع، تاریخچه تنوع زبانی در عراق نشان‌دهنده یک مسیر پیچیده از تلاش برای حفظ هویت‌های زبانی در برابر فشارهای ملی‌گرایانه و سیاست‌های حکومتی متغیر است. اگرچه قانون اساسی جدید عراق گام‌های مهمی در شناسایی و حمایت از حقوق زبانی برداشته، اما مسیر پیش‌رو هنوز پر از چالش است. آینده تنوع زبانی در عراق وابسته به ایجاد سازوکارهایی است که به تمامی گروه‌های زبانی امکان مشارکت برابر در نظام‌های آموزشی، فرهنگی و سیاسی را بدهد و از هرگونه تبعیض زبانی جلوگیری کند. دستیابی به چنین هدفی می‌تواند نه تنها به تقویت وحدت ملی کمک کند، بلکه فضای همزیستی مسالمت‌آمیز میان گروه‌های مختلف را نیز ارتقاء بخشد.

تجربه‌های موفق و چالش‌های اجرای فدرالیسم زبانی در ایران، هند و سایر کشورها (مطالعات تطبیقی)

فدرالیسم زبانی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارها برای مدیریت تنوع زبانی در کشورهایی که دارای ساختار چندزبانه هستند، تجربه‌های متفاوتی را در نظام‌های حکومتی مختلف به همراه داشته است. این نوع فدرالیسم، با توجه به شرایط ویژه هر کشور، از نظر موفقیت در ایجاد توازن میان حفاظت از زبان‌های بومی و حفظ وحدت ملی، عملکرد متفاوتی داشته است. در ایران، ساختار حکومتی به طور رسمی فدرالیسم زبانی را نمی‌پذیرد، اما تنوع زبانی در برخی مناطق به ویژه مناطقی که اقلیت‌های قومی برجسته‌ای زندگی می‌کنند، همچون مناطق ترک‌زبان، کردزبان و عرب‌زبان، در سیاست‌های محدود منطقه‌ای انعکاس یافته است (Najafi et al., 2016). با این حال، نبود سیاست‌های جامع و تمرکزگرایی شدید در امور زبانی و فرهنگی در ایران، در مواردی منجر به احساس نادیده گرفتن مطالبات زبانی اقلیت‌ها شده است. این چالش‌ها نشان می‌دهد که اجرای فدرالیسم زبانی در کشوری

آلمانی، فرانسوی، ایتالیایی و رومانش، نمونه‌ای از مدیریت موفق تنوع زبانی ارائه داده است. حرکت به سمت فدرالیسم مبتنی بر زبان در سوئیس موجب شده است هر منطقه زبانی فضای لازم برای حفظ و ترویج زبان و فرهنگ خود را داشته باشد. از جمله چالش‌های سوئیس می‌توان به برخی اختلافات منطقه‌ای در تخصیص منابع و مدیریت برنامه‌های آموزشی چندزبانه اشاره کرد، اما در مجموع، ساختار فدرالی تلاش کرده است تا تضادهای زبانی را کاهش داده و مشارکت اجتماعی را تقویت کند. یکی دیگر از نمونه‌های فدرالیسم زبانی را می‌توان در آفریقای جنوبی مشاهده نمود که پس از پایان سیاست‌های آپارتاید، زبان را به عنوان ابزاری برای بازسازی جامعه تعریف کرد (Abdolzahra, 2016). این کشور با به رسمیت شناختن ۱۱ زبان رسمی در قانون اساسی به تنوع زبانی احترام گذاشته و تلاش‌هایی برای حفظ حقوق فرهنگی اقلیت‌ها انجام داده است. با این حال، چالش‌هایی نظیر کمبود منابع آموزشی و ترجمه به تمامی زبان‌های رسمی همچنان مشکل‌آفرین هستند. این تجربه نشان می‌دهد که سیاست‌های فدرالیسم زبانی نیازمند اجرای دقیق و حمایت زیرساختی هستند تا بتوانند به اهداف خود دست یابند.

مرور تحقیقات مرتبط با قوانین زبانی در عراق (بازنگری سیاست‌های پس از ۲۰۰۵)

پس از تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵، موضوع قوانین زبانی به عنوان یکی از مسائل حساس و حیاتی در این کشور مورد توجه قرار گرفت. در این قانون اساسی، زبان‌های عربی و کردی به عنوان زبان‌های رسمی کشور به رسمیت شناخته شدند و اشاره‌ای ویژه به زبان‌های اقلیت مانند ترکمنی و آشوری صورت گرفت. این تحول حقوقی نشان‌دهنده گامی مهم در بازنگری سیاست‌های زبانی عراق بود که اهدافی همچون حفاظت از تنوع زبانی، تضمین حقوق اقلیت‌ها، و کاهش تنش‌های قومی و زبانی را دنبال می‌کرد. مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که تصویب

این قوانین، تأثیر قابل توجهی بر فضای فرهنگی و اجتماعی عراق داشته است، اما چالش‌های فراوانی در اجرای مؤثر آن‌ها وجود دارد (Najm Eidani & Shaker Amin, 2015). برخی از تحقیقات مرتبط با قوانین زبانی پس از سال ۲۰۰۵ به بررسی نقش زبان کردی در اداره امور اقلیم کردستان پرداخته‌اند. در این منطقه، زبان کردی به عنوان زبان اصلی ارتباطات رسمی و آموزشی مورد استفاده قرار گرفته است. با وجود موفقیت نسبی در ترویج و استفاده از زبان کردی، اختلافاتی میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان بر سر ترجمه قوانین و نحوه آموزش به این زبان مشاهده شده است. مطالعات نشان می‌دهند که این اختلافات، علاوه بر مسائل سیاسی، از نبود زیرساخت‌های یکپارچه برای اجرای سیاست‌های زبانی ناشی می‌شود. تلاش‌های موجود برای رفع این مشکلات شامل افزایش بودجه آموزشی و تهیه منابع ترجمه قوانین به زبان کردی بوده است، اما هنوز به نتیجه قطعی منجر نشده‌اند. تحقیقات بیشتری در حوزه زبان‌های اقلیت‌های ترکمن و آشوری انجام شده است که نشان‌دهنده چالش‌های جدی در حفظ این زبان‌ها و استفاده از آن‌ها در امور رسمی است. با اینکه قانون اساسی سال ۲۰۰۵ به حقوق این اقلیت‌ها اشاره کرده است، برخی از مطالعات نشان داده‌اند که نبود حمایت‌های عملی و اجرایی منجر به حاشیه‌نشینی این زبان‌ها شده است. به عنوان مثال، محققان به کمبود مدارس و نهادهای فرهنگی که به آموزش زبان‌های ترکمنی و آشوری می‌پردازند اشاره کرده‌اند (Hassan Mustafa, 2017). این موضوع نه تنها تأثیر مستقیم بر حفظ این زبان‌ها دارد، بلکه احساس نادیده گرفته شدن حقوق اقلیت‌ها را نیز تقویت کرده است. از سوی دیگر، برخی مطالعات به بررسی تحولات مثبت در حوزه زبان‌های بومی و محلی پس از سال ۲۰۰۵ پرداخته‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهند که فضای نسبی باز سیاسی پس از سقوط رژیم بعث، به اقلیت‌ها اجازه داده است که هویت زبانی خود را احیا کنند. رشد رسانه‌های بومی و انتشار کتب و منابع به زبان‌های

اصول قانون اساسی عراق و حق زبان مادری

قانون اساسی عراق، که پس از تغییرات گسترده سیاسی در سال ۲۰۰۵ تدوین شد، توجه ویژه‌ای به حفظ تنوع زبانی و قومی در کشور دارد و حق زبان مادری را رسماً به رسمیت شناخته است. ماده ۴ قانون اساسی عراق بیان می‌کند که عربی و کردی زبان‌های رسمی کشور هستند. اما در همین ماده به صراحت اشاره شده است که زبان‌های دیگر مانند ترکمانی و سریانی نیز، به‌ویژه در مناطقی که اقلیت‌های زبانی حضور پررنگی دارند، می‌توانند به عنوان زبان‌های محلی مورد استفاده قرار گیرند. این تأکید بر استفاده از زبان‌های اقلیت‌ها نشان‌دهنده پذیرش نسبی حق زبان مادری برای گروه‌های قومی غیرعرب در ساختار حقوقی عراق است. افزون بر زبان‌های رسمی، این ماده این امکان را نیز فراهم آورده که در مناطق خاص، زبان‌های اقلیت‌ها در اداره امور محلی و آموزش عمومی مورد استفاده قرار گیرند که گامی مثبت در تضمین حقوق فرهنگی و زبانی اقوام مختلف است. از این رو، این ماده نه تنها تنوع زبانی را محترم شمرده، بلکه به ترویج مشارکت اقوام مختلف در اداره امور کشور کمک می‌کند.^۱ باوجود این، برخی چالش‌ها در اجرای عملی این اصل، مانند مقاومت‌های سیاسی و محدودیت‌های بودجه‌ای، گاهی مانعی برای تحقق کامل این حق زبانی بوده‌اند. این قانون، در حقیقت، تلاش دارد که احساس همبستگی اجتماعی و تنوع فرهنگی میان گروه‌های مختلف عراق را تقویت کند، اما همچنان پرسش‌هایی درباره اجرای کامل آن در مناطق حاشیه‌ای و کم‌برخوردار وجود دارد.

مواد قانونی مرتبط با حق زبان مادری در عراق

علاوه بر ماده ۴ قانون اساسی که به زبان‌های رسمی و محلی پرداخته است، سایر قوانین اجرایی عراق نیز، به‌طور خاص یا ضمنی، به حق زبان مادری توجه دارند. یکی از این موارد، قانون آموزش عراق است که در آن استفاده از زبان مادری در مدارس

محلی، گام‌هایی در راستای تقویت این زبان‌ها بوده است. با این حال، تحقیقات نشان می‌دهند که این تحولات محدود بوده و عمدتاً به مناطق خاصی مانند اقلیم کردستان یا بخش‌های ترکمن‌نشین محدود شده است، در حالی که بسیاری از مناطق دیگر کشور از این پیشرفت‌ها بی‌بهره مانده‌اند.

در برخی از مطالعات انتقادی، پژوهشگران به بررسی تأثیر سیاست‌های زبانی بر انسجام ملی و کاهش تنش‌های قومی پرداخته‌اند. این تحقیقات نشان می‌دهند که اگرچه قوانین و سیاست‌های زبانی تلاش کرده‌اند تا حقوق اقلیت‌ها را تضمین کنند، اما در بسیاری موارد، اختلافات سیاسی و منطقه‌ای مانع از تحقق کامل این اهداف شده است. محققان پیشنهاد کرده‌اند که دولت مرکزی باید تلاش بیشتری برای تقویت روابط میان گروه‌های زبانی مختلف انجام دهد و سازوکارهایی ایجاد کند که به جای تشدید اختلافات، باعث تقویت همزیستی زبانی شود (Mohammed & Derayee, 2012). برخی تحقیقات آینده‌نگر نیز به امکان اصلاح قوانین زبانی و گسترش حقوق اقلیت‌ها پرداخته‌اند. این مطالعات پیشنهاد می‌کنند که قوانین زبانی عراق باید فراتر از اعلام رسمی بودن زبان‌ها حرکت کنند و برنامه‌هایی عملی برای آموزش، ترجمه قوانین، و استفاده روزمره از زبان‌های اقلیت ارائه دهند. همچنین توصیه شده است که دولت عراق از تجربه‌های موفق کشورهای دیگر در زمینه حفظ تنوع زبانی و مدیریت اختلافات قومی الهام بگیرد. این مطالعات به نقش همکاری‌های بین‌المللی در تقویت زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی مرتبط با زبان‌های اقلیت اشاره کرده‌اند.

بررسی اصول قانون اساسی عراق، مواد قانونی و اسناد بین

المللی موجود ناظر بر حق زبان مادری

حق بر زبان مادری در قانون اساسی عراق و دیگر اسناد بین‌المللی مطرح و بررسی شده است:

¹ Constitution of Iraq. (2005). Article 4. Retrieved from : <https://www.constitutionofiraq.gov>

ابتدایی برای جوامع اقلیتی مورد حمایت قرار گرفته است.^۱ در این قانون، به اقوامی مانند ترکمن‌ها، آشوری‌ها و یزیدی‌ها اجازه داده شده است که آموزش ابتدایی کودکان خود را به زبان مادری‌شان آغاز کنند. این اقدام، علاوه بر حفظ فرهنگ بومی این اقوام، به تسهیل فرآیند آموزش برای کودکان اقلیتی کمک می‌کند. افزون بر این، در سیستم قضایی عراق، حقوق متهمان و شاهدان به استفاده از زبان مادری‌شان در دادگاه‌ها به عنوان یکی از حقوق اساسی شناخته شده است. این موضوع تضمین می‌کند که افراد غیرعرب یا غیرفارس‌زبان بتوانند به صورت مؤثر در مراحل دفاع، شهادت‌دهی و ارائه مدارک خود مشارکت کنند (Abdulkareem et al., 2021). همچنین برخی قوانین مرتبط با نشر و رسانه نیز به اقوام راحتی در استفاده از زبان مادری برای تولید محتوا و رسانه‌های محلی را تسهیل کرده‌اند. باوجود این، نبود منابع کافی برای ترویج زبان‌های اقلیتی در برخی مناطق یا نهادها، چالش‌هایی عملی برای بهره‌مندی اقلیت‌ها از این حقوق قانونی ایجاد می‌کند که نیازمند توجه بیشتر است.

حق زبان مادری در اسناد بین‌المللی

مقوله حق زبان مادری در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تأکید قرار گرفته است که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) اشاره کرد. ماده ۲۷ این میثاق به صراحت بیان می‌دارد که در کشورهایی که اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به این اقلیت‌ها نباید از حق استفاده از زبان خود در جامعه محروم شوند (میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲، ۱۹۹۶). همچنین کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) در ماده ۳۰ خود حق کودکانی را که متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی یا زبانی هستند برای استفاده از زبان خود و مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه خود به رسمیت شناخته است (کنوانسیون حقوق کودک، ۱۹۸۹). اعلامیه جهانی حقوق

زبانی (۱۹۹۶) نیز که توسط سازمان یونسکو حمایت می‌شود، به طور خاص بر حق افراد در استفاده از زبان مادری در تمام عرصه‌های عمومی، آموزشی و اداری تأکید دارد و دولتها را موظف به ایجاد شرایط مناسب برای تحقق این حق می‌کند (اعلامیه جهانی حقوق زبانی^۳، ۱۹۹۶). در سطح منطقه‌ای نیز اسناد مهمی مانند منشور اجتماعی اروپا (۱۹۹۶) و کنوانسیون چارچوب حمایت از اقلیت‌های ملی شورای اروپا (۱۹۹۵) به حمایت از حقوق زبانی پرداخته‌اند. این اسناد نه تنها حق استفاده از زبان مادری را به رسمیت می‌شناسند، بلکه دولتها را ملزم می‌کنند تا امکانات لازم برای آموزش به زبان مادری و استفاده از آن در مراکز رسمی و رسانه‌ها را فراهم آورند (منشور اجتماعی اروپا^۴، ۱۹۹۶). در سطح بین‌المللی، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اقلیت‌ها نیز همواره بر اهمیت حفظ و توسعه زبان‌های مادری به عنوان بخشی از حقوق فرهنگی تأکید کرده و خواستار اقدامات عملی دولتها در این زمینه شده است (گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور اقلیت‌ها^۵، ۲۰۱۳). این اسناد در مجموع چارچوب حقوقی محکمی برای حمایت از زبان‌های مادری در سطح جهانی ایجاد کرده‌اند، اگرچه اجرای کامل آنها در بسیاری از کشورها با چالش‌هایی مواجه است.

بررسی ساختار فدرالی عراق پس از تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵

پس از تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵، ساختار حکومتی این کشور به سمت نظام فدرالی حرکت کرد که یکی از مهم‌ترین تغییرات در تاریخ سیاسی عراق محسوب می‌شود. این قانون اساسی، اقلیم کردستان را به عنوان منطقه‌ای خودمختار به رسمیت شناخت و به سایر استان‌ها اجازه داد که در صورت تمایل و با رعایت شرایط خاص، مناطق خودمختار تشکیل دهند. این تحول، با هدف تمرکززدایی و ایجاد تعادل میان قدرت دولت

³ Universal Declaration of Linguistic Rights

⁴ European Social Charter

⁵ United Nations Special Rapporteur on Minority Issues

¹ Iraqi Education Law, Article 8, (2007). Official Gazette of Education Ministry

² International Covenant on Civil and Political Rights

نقش اقلیم کردستان در اجرای آموزش زبان مادری (نمونه‌های اجرایی)

اقلیم کردستان عراق از زمان تأسیس نظام خودمختار پس از سال ۱۹۹۱ و به‌ویژه پس از تصویب قانون اساسی عراق در سال ۲۰۰۵، یکی از موفق‌ترین نمونه‌ها در منطقه برای اجرای سیاست‌های مرتبط با آموزش زبان مادری بوده است. زبان کردی به عنوان زبان رسمی اقلیم، محور اصلی برنامه‌های آموزشی و فرهنگی در این منطقه قرار گرفته است. از آن زمان، سیستم آموزشی اقلیم تمرکز ویژه‌ای بر آموزش زبان کردی در تمامی سطوح تحصیلی، از ابتدایی تا دانشگاه، داشته است. ارائه کتب درسی به زبان کردی و آموزش گسترده معلمان بومی در این زبان، نشان‌دهنده تلاش‌ها برای تقویت زبان مادری و هویت زبانی نسل‌های آینده بوده است. این سیاست سبب شده است تا دانش‌آموزان در اقلیم کردستان نسبت به دیگر مناطق عراق، آموزش کامل‌تری در زبان مادری خود دریافت کنند (Hechter, 2020). یکی از نمونه‌های اجرایی موفقیت‌آمیز در این زمینه، تأسیس دانشگاه‌های منطقه‌ای با محوریت زبان کردی است. دانشگاه صلاح‌الدین در اربیل به عنوان یکی از مراکز برجسته آموزش عالی در اقلیم کردستان، دوره‌های مختلفی را به زبان کردی ارائه می‌دهد و تلاش کرده است تا از طریق تحقیقات علمی و برنامه‌های آموزشی، زبان کردی را در سطح دانشگاهی تقویت کند. علاوه بر این، کتب تخصصی علمی و فرهنگی به زبان کردی در این دانشگاه چاپ و منتشر شده است که نقش مهمی در توسعه زبان مادری در حوزه‌های تخصصی داشته است (Abbasi, 2018). این اقدام نه تنها به تقویت هویت زبانی کردها کمک کرده است، بلکه افراد تحصیل کرده را به توسعه دانش بومی و تولید محتوا در زبان مادری خود ترغیب کرده است.

در مدارس اقلیم کردستان، سیاست‌های آموزشی با هدف حفظ و توسعه ظرفیت‌های زبانی کودکان برنامه‌ریزی شده‌اند. دانش‌آموزان کرد از همان سطوح ابتدایی، نه تنها به آموزش زبان کردی به عنوان

مرکزی و مناطق مختلف طراحی شد، تا بتواند تنش‌های قومی و مذهبی را کاهش دهد. در عین حال، تقسیم قدرت میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان باعث شد که کردها بتوانند هویت فرهنگی و زبانی خود را حفظ کنند و از حقوق بیشتری در مدیریت منابع طبیعی و تصمیم‌گیری‌های محلی برخوردار شوند. ساختار فدرالی عراق پس از سال ۲۰۰۵، فرصت‌های جدیدی برای تقویت استقلال مناطق ایجاد کرد، اما این روند با چالش‌های جدی مواجه بوده است (Hassan Al-Anbaki, 2020). یکی از این چالش‌ها اختلافات میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان بر سر مدیریت منابع نفت و تعیین سهم بودجه بود. این اختلافات، که عمدتاً بر سر نحوه تقسیم درآمدهای نفتی و کنترل میدان‌های نفتی اقلیم شکل گرفت، به تنش‌هایی گسترده در روابط میان مرکز و اقلیم منجر شد. علاوه بر این، نبود سازوکارهای قانونی شفاف برای حل اختلافات قدرت میان استان‌ها و مرکز مشکلاتی نظیر تداخل در اجرای سیاست‌ها و تعلیق برخی قوانین را به وجود آورد. همچنین، تلاش برخی استان‌های جنوبی برای تبدیل شدن به مناطق خودمختار مشابه اقلیم کردستان، به دلیل نگرانی‌های سیاسی و امنیتی از سوی دولت مرکزی، با محدودیت روبه‌رو شد. نظام فدرالی عراق پس از سال ۲۰۰۵، اگرچه در تئوری گامی در جهت ارتقای مشارکت سیاسی و اجتماعی مناطق مختلف بوده است، اما در عمل، همچنان با ناهماهنگی‌ها و اختلافات ساختاری دست و پنجه نرم می‌کند. اهمال در ایجاد زیرساخت‌های قانونی و اداری مناسب، مشکلات در تقسیم منابع، و نبود اعتماد کامل میان دولت مرکزی و مناطق مختلف، از جمله عوامل اصلی هستند که مانع از تحقق کامل اهداف فدرالیسم در عراق شده‌اند (Asadi, 2016). با این حال، این ساختار توانسته زمینه‌ای برای مذاکره و گفت‌وگو میان گروه‌های قومی و مذهبی فراهم کند و حداقل در برخی مناطق مانند اقلیم کردستان، موفقیت‌هایی نسبی در مدیریت خودمختاری به همراه داشته باشد.

زبان اصلی پرداخته‌اند، بلکه در کنار آن می‌توانند انگلیسی و عربی را به‌عنوان زبان‌های دوم و سوم فراگیرند. این رویکرد چندزبانه کمک کرده است تا کودکان علاوه بر تقویت هویت زبانی خود، مهارت‌های ارتباطی خود را برای تعامل با دیگر اقوام و ملل افزایش دهند. همچنین، همکاری اقلیم با سازمان‌های بین‌المللی برای تهیه منابع آموزشی و برگزاری دوره‌های تخصصی معلمان زبان کردی، به توسعه کیفیت آموزش زبان مادری کمک کرده است. یکی دیگر از اقدامات اقلیم کردستان در حمایت از آموزش زبان مادری، ترویج رسانه‌ها و محتواهای فرهنگی کردی بوده است (Moradi, 2022). کانال‌های تلویزیونی، رادیویی، و رسانه‌های دیجیتالی به زبان کردی در اقلیم توانسته‌اند نقش مهمی در ایجاد پیوند زبانی میان نسل‌ها ایفا کنند. این رسانه‌ها نه تنها به ارائه اطلاعات عمومی به زبان مادری پرداخته‌اند، بلکه برنامه‌های آموزشی مخصوص کودکان و نوجوانان را نیز به زبان کردی تولید کرده‌اند. این اقدامات، همراه با تولید کتاب‌های داستانی و منابع فرهنگی متنوع، محیطی جامع برای یادگیری و استفاده عملی از زبان کردی فراهم آورده است که تأثیر مستقیم بر آموزش غیررسمی زبان مادری داشته است. در مجموع، اقلیم کردستان توانسته است با اجرای سیاست‌های آموزشی، تأسیس مراکز علمی و فرهنگی، و ترویج رسانه‌های کردی، گام‌های بزرگی در جهت حفظ و تقویت زبان مادری بردارد. با این حال، چالش‌هایی مانند بودجه محدود و نیاز به توسعه منابع انسانی متخصص همچنان وجود دارند (Kane et al., 2012). این تجربه نشان می‌دهد که مدیریت مستقل اقلیم امکان‌پذیری اجرای موفقیت‌آمیز سیاست‌های زبانی را فراهم کرده است، اما نیازمند حمایت دائمی دولت مرکزی و همکاری‌های بین‌المللی برای گسترش این تلاش‌ها در آینده است. عملکرد اقلیم کردستان در زمینه آموزش زبان مادری، الگویی قابل‌توجه برای دیگر مناطق چندزبانه عراق و حتی کشورهای همسایه محسوب می‌شود.

چالش‌های مناطق مرکزی و جنوبی عراق در مدیریت تنوع زبانی

مناطق مرکزی و جنوبی عراق، که اکثراً شامل جمعیت‌های عرب‌زبان شیعه هستند، با چالش‌های گوناگونی در مدیریت تنوع زبانی مواجه‌اند، اگرچه نسبت به مناطق شمالی عراق همچون اقلیم کردستان به لحاظ تنوع زبانی گسترده‌تر یا رسمی‌شده کمتری برخوردارند. این مناطق، به دلیل تمرکز تاریخی و سنتی بر زبان عربی به عنوان زبان رسمی و کاربردی، همواره با مسائلی مانند نادیده گرفتن زبان‌های اقلیت‌های محدود محلی، از جمله ترکمن‌ها و آشوری‌ها در برخی جوامع کوچک، مواجه بوده‌اند (محمدی و خالدی، ۱۳۹۷: ۷۰). با اینکه در قانون اساسی عراق حقوق زبان‌های اقلیت به رسمیت شناخته شده، اما نبود زیرساخت‌های کافی برای آموزش و استفاده رسمی از این زبان‌ها، یکی از مشکلات اصلی این مناطق است که سبب شده است زبان‌های بومی در این مناطق به‌مرور زمان به حاشیه رانده شوند. یکی از چالش‌های عمده این مناطق در مدیریت تنوع زبانی، نبود سیاست‌های شفاف برای حفظ زبان‌های محلی و جلوگیری از فراموشی آن‌هاست. در مناطق مرکزی مانند بغداد و حتی در بخش‌هایی از مناطق جنوب همچون بصره، با وجود اینکه برخی اقلیت‌های زبانی حضور دارند، برنامه‌های دولتی یا آموزشی خاصی برای آموزش یا ترویج زبان‌های غیرعربی وجود ندارد (Ezati & Nanva, 2011). این امر باعث شده است نهادهای آموزشی عمدتاً بر زبان عربی متمرکز شوند و دیگر زبان‌ها مورد غفلت قرار گیرند. به همین دلیل، بسیاری از گویش‌ها و زبان‌های محلی در معرض خطر فراموشی قرار دارند، زیرا جوانان تمایلی به یادگیری یا استفاده از زبان‌های اقلیت در این مناطق ندارند.

یکی دیگر از مسائل اصلی مربوط به تنوع زبانی در این مناطق، نبود سرمایه‌گذاری مناسب در حوزه فرهنگ و هویت زبانی اقلیت‌ها است. بسیاری از مناطق مرکزی و جنوبی عراق فاقد سازمان‌های فرهنگی یا رسانه‌هایی هستند که به زبان‌های غیرعربی

فعالیت کنند. همین کمبود منابع فرهنگی به نوبه خود منجر به کاهش امکان حفظ زبان‌های اقلیت یا رشد نسل‌های جدیدی شده است که به این زبان‌ها مسلط باشند. علاوه بر آن، مهاجرت‌های گسترده در دهه‌های اخیر، چه به دلیل جنگ‌ها و چه به دلیل ناآرامی‌های اقتصادی، باعث پراکندگی جمعیت اقلیت‌ها و کاهش تمرکز افراد سخنور به زبان‌های محلی در این مناطق شده است. علاوه بر چالش‌های زبانی، مسائل اجتماعی و سیاسی نیز در تنوع زبانی این مناطق نقش دارند (Bazyar, 2020). سیاست‌های تمرکزگرایانه‌ای که عمدتاً توسط دولت مرکزی حمایت می‌شود، سبب شده است که زبان عربی به‌عنوان زبان غالب در ادارات، مدارس، و محیط‌های عمومی به کار گرفته شود و دیگر زبان‌ها جایگاه رسمی نداشته باشند. این وضعیت در مناطقی که اقلیت‌های فرهنگی و زبانی کوچکی مانند مندائی‌ها، ترکمن‌ها یا آشوری‌ها سکونت دارند، منجر به احساس نادیده گرفته شدن فرهنگی و زبانی شده است. به ویژه در بغداد، که به علت مرکزیت اداری، زبان عربی بر تمامی ابعاد زندگی روزمره تسلط کامل دارد، زبان‌های دیگر تقریباً فضایی برای شکوفایی ندارند (Marlin, 2016). در مجموع، مناطق مرکزی و جنوبی عراق به دلیل تمرکز تاریخی بر زبان عربی، ضعف در زیرساخت‌های فرهنگی و آموزشی، و تمرکزگرایی سیاسی، در مدیریت تنوع زبانی با مشکلات جدی روبه‌رو هستند. اگرچه قانون اساسی عراق حمایت از زبان‌های اقلیت را تضمین کرده است، اما نبود برنامه‌های جامع اجرایی و عدم حمایت مالی کافی، باعث شده است که تلاش‌ها برای حفظ تنوع زبانی در این مناطق ناکافی باشد. برای بهبود این وضعیت، نیاز به تدوین سیاست‌های شفاف‌تری است که آموزش، رسانه، و فعالیت‌های فرهنگی اقلیت‌ها را تقویت کرده و زمینه‌ای برای حفظ هویت زبانی تمام گروه‌های جمعیتی فراهم آورد.

آموزش زبان مادری در عراق

آموزش زبان مادری در عراق، به ویژه پس از تصویب قانون اساسی سال ۲۰۰۵، به عنوان یکی از حقوق اقلیت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. قانون اساسی به آموزش زبان‌های مادری از جمله کردی، ترکمنی، و آشوری در مناطقی که این اقوام سکونت دارند تأکید دارد، اما تحقق این موضوع در عمل با چالش‌های فراوانی همراه بوده است (Boudaghi et al., 2021). در اقلیم کردستان، آموزش زبان کردی به عنوان زبان اصلی در مدارس و دانشگاه‌ها اجرا می‌شود و منابع آموزشی مناسبی در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفته است، اما در سایر مناطق عراق، وضعیت زبان‌های مادری اقلیت‌ها متفاوت است. در مناطقی مانند کرکوک و موصل که اقوام ترکمن، آشوری و عرب به صورت پراکنده حضور دارند، کمبود زیرساخت‌های آموزشی و نبود برنامه‌های جامع باعث شده است آموزش زبان مادری به طور محدود و یا غیررسمی صورت گیرد (Abdollahpour & Hajimineh, 2020). این عدم هماهنگی میان مناطق مختلف کشور نشان‌دهنده فقدان سیاست‌های جامع ملی برای حمایت از زبان مادری اقوام غیرعرب است. برخی از چالش‌های اصلی در آموزش زبان مادری در عراق شامل کمبود کتب درسی به زبان‌های اقلیت، نبود معلمان متخصص، و محدودیت بودجه برای توسعه برنامه‌های آموزشی است. در مناطق مرکزی و جنوبی که غالباً جمعیت اقلیت‌ها کمتر است، زبان‌های مادری مانند ترکمنی و آشوری به حاشیه رانده شده‌اند و مدارس به طور کامل بر آموزش زبان عربی متمرکز هستند. حتی در مناطقی که اقلیت‌ها حضور بیشتری دارند، اختلافات سیاسی و اجتماعی مانع از اجرای موثر برنامه‌های آموزشی شده است (Seifzadeh, 2018). در مقابل، تجربه اقلیم کردستان نشان می‌دهد که با برنامه‌ریزی دقیق و سرمایه‌گذاری مناسب، آموزش زبان مادری می‌تواند به حفظ هویت فرهنگی و تقویت ارتباطات میان نسل‌های مختلف کمک کند. با این حال، وضعیت کلی آموزش زبان مادری در عراق نشان‌دهنده نیاز به اصلاحات جدی و ایجاد سازوکارهای

قانونی و عملی برای تحقق حقوق زبانی اقلیت‌ها در سراسر کشور است.

اهمیت آموزش زبان مادری در تقویت هویت فرهنگی اقوام

آموزش زبان مادری نقش حیاتی در تقویت هویت فرهنگی اقوام ایفا می‌کند، زیرا زبان مادری نه تنها وسیله ارتباطی بلکه حامل ارزش‌ها، تاریخ، و سنت‌های فرهنگی یک جامعه است. هنگامی که اقوام قادر به یادگیری و استفاده از زبان مادری خود باشند، نه تنها امکان حفظ میراث فرهنگی خود را دارند بلکه می‌توانند ارتباطی عمیق‌تر با هویت و گذشته تاریخی خود برقرار کنند. این نوع آموزش، نسل‌های جوان را با فرهنگ و زبان اجدادی آشنا می‌کند و به آن‌ها فرصتی می‌دهد تا این میراث گران‌بها را به نسل‌های بعدی منتقل کنند (Pourahmadi et al., 2017). در جوامعی که آموزش زبان مادری به صورت گسترده اجرا می‌شود، اقوام می‌توانند احساس ارزشمندی و مشارکت در ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور داشته باشند، که این امر خود به تقویت انسجام ملی و احترام به تنوع جمعیتی کمک می‌کند. آموزش زبان مادری همچنین نقشی مهم در حفظ زبان‌ها و جلوگیری از فراموشی آن‌ها دارد. بسیاری از زبان‌های اقلیت به دلیل محدودیت‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی در معرض خطر نابودی قرار دارند. ارائه برنامه‌های آموزشی به زبان مادری، ضمن حفظ این زبان‌ها، امکان توسعه فرهنگی و زبانی را برای اقوام فراهم می‌سازد (Taheri & Shateri, 2018). هنگامی که زبان مادری در سیستم آموزشی جایگاهی داشته باشد، نه تنها به ارتقای سطح سواد افراد کمک می‌کند بلکه باعث می‌شود زبان‌های مورد نظر بتوانند در سایر حوزه‌ها مانند رسانه، هنر و ادبیات نیز رشد کنند. این امر در نهایت به قدرت یافتن فرهنگ‌های اقوام و جلوگیری از انقراض زبان‌های آن‌ها منجر می‌شود.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم آموزش زبان مادری، احساس تعلق و اعتماد به نفس در میان اقوام است. ارتباط با زبان مادری به افراد

این امکان را می‌دهد که جایگاه خود را در جامعه بهتر درک کنند و به طور فعال در امور فرهنگی و اجتماعی مشارکت داشته باشند. در جوامعی که زبان مادری اقوام به رسمیت شناخته می‌شود و آموزش آن حمایت می‌شود، افراد به خودباوری بیشتری دست می‌یابند و از حاشیه‌نشینی اجتماعی فاصله می‌گیرند. این احساس تعلق، به طور مستقیم بر روابط بین‌قومی تأثیر مثبت دارد و ارتباط میان گروه‌های مختلف جمعیتی را تقویت می‌کند، چرا که احترام به هویت زبانی یک قوم منجر به احساس همبستگی و تعامل سازنده میان گروه‌ها می‌شود (شمس الدینی، و همکاران، ۱۰۸). علاوه بر این، آموزش زبان مادری زمینه‌ای برای توسعه فرهنگی فراهم می‌کند که از طریق آن اقوام می‌توانند آثار هنری، ادبی، و تاریخی خود را زنده نگه دارند. زبان به عنوان یکی از ابزارهای اصلی خلق و انتقال دانش فرهنگی، امکان توسعه و شکوفایی هنر و دانش بومی را فراهم می‌کند. این فرآیند موجب می‌شود نسل‌های جوان به جای کنار گذاشتن فرهنگ خود، آن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت‌شان بپذیرند و گسترش دهند (Hafeznia et al., 2008). در نتیجه، نه تنها فرهنگ و هنر اقوام تقویت می‌شود، بلکه جامعه نیز از این غنای فرهنگی بهره‌مند خواهد شد و تنوع فرهنگی به عنوان یک ارزش شناخته می‌شود. در مجموع، آموزش زبان مادری عاملی کلیدی در حفظ هویت فرهنگی اقوام و تقویت انسجام اجتماعی است. این نوع آموزش، نه تنها به حفظ میراث زبانی و جلوگیری از فراموشی آن‌ها کمک می‌کند بلکه به ایجاد حس تعلق و خودباوری در میان گروه‌های مختلف قومی منجر می‌شود. علاوه بر آن، آموزش زبان مادری موجب ارتقای فعالیت‌های فرهنگی و هنری می‌شود و فرصت‌های بیشتری را برای شکوفایی این بخش‌ها فراهم می‌آورد (Khoubarou Pak, 2020). در یک جامعه چندفرهنگی، اهمیت آموزش زبان مادری فراتر از آموزش صرف بوده و به عنوان ابزاری در جهت تقویت

یکی دیگر از تأثیرات اجتماعی تنوع زبانی بر نظام آموزشی عراق، عدم انسجام در برقراری فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان در مناطق مختلف است. در مناطقی که زبان مادری مردم در سیستم آموزشی لحاظ نشده است، دانش‌آموزان با مشکلات جدی در یادگیری مفاهیم و مطالب درسی روبه‌رو می‌شوند، زیرا زبان آموزشی رسمی با زبان روزمره آن‌ها تفاوت دارد. این مسئله به کاهش دسترسی به فرصت‌های برابر تحصیلی، افت کیفیت آموزش و در نتیجه افزایش نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌شود. متقابلاً، در مناطقی مانند اقلیم کردستان که زبان مادری به‌طور گسترده در آموزش به‌کار گرفته شده است، نتایج مثبت‌تری در زمینه افزایش سطح سواد و احساس تعلق فرهنگی مشاهده می‌شود، اما این تفاوت در مناطق مرکزی و جنوبی عراق تا حد زیادی وجود ندارد. چالش دیگر به حوزه تعاملات اجتماعی بازمی‌گردد، زیرا تنوع زبانی در صورت عدم مدیریت مناسب می‌تواند به عاملی برای تحریک تعارضات قومی تبدیل شود (Sajedi & Amjadiyan, 2011). در مناطقی که اقوام مختلف با زبان‌های متفاوت زندگی می‌کنند، ناتوانی در توافق بر سر زبان آموزشی یا سیاست‌های فرهنگی می‌تواند به بی‌اعتمادی میان گروه‌ها دامن بزند. به‌ویژه در مناطقی مانند کرکوک یا موصل، که اقلیت‌ها در تلاش برای ترویج زبان و هویت خود هستند، نظام آموزشی گاه به صحنه‌ای برای رقابت‌های سیاسی و اجتماعی تبدیل می‌شود. این وضعیت علاوه بر تأثیر منفی بر آموزش، موجب تعمیق شکاف‌های اجتماعی و کاهش انسجام ملی نیز می‌شود.

فدرالیسم در عراق، به ویژه پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵، تأثیرات مهمی بر مدیریت تنوع زبانی و اجتماعی برجای گذاشته است. نظام فدرالی این امکان را فراهم کرده تا مناطق خودمختار مانند اقلیم کردستان بتوانند سیاست‌های خاص خود را در زمینه زبان و فرهنگ اجرا کنند، که این امر در ترویج زبان کردی به عنوان زبان رسمی آموزش و اداره در این منطقه بسیار موفق بوده است.

احترام متقابل، آیین‌های از تنوع قومی، و عاملی برای توسعه اجتماعی و فرهنگی شناخته می‌شود.

تأثیر سیاسی و اجتماعی تنوع زبانی بر نظام آموزشی عراق

تنوع زبانی در عراق به‌عنوان یکی از ویژگی‌های بارز جمعیتی این کشور، تأثیرات قابل توجهی بر نظام آموزشی گذاشته و آن را به یکی از چالش‌های اصلی پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵ تبدیل کرده است (Saei & Moradi, 2011). قانون اساسی عراق زبان‌های عربی و کردی را به‌طور رسمی به رسمیت می‌شناسد و حقوق زبانی اقلیت‌ها از جمله ترکمن‌ها، آشوری‌ها و دیگر گروه‌های قومی را تضمین می‌کند. با این حال، اختلافات سیاسی و اجتماعی ناشی از این تنوع زبانی، همواره بر پیاده‌سازی سیاست‌های آموزشی تأثیر گذاشته و باعث شده است که تمام اقوام نتوانند از حقوق زبانی خود در سیستم آموزشی به‌طور یکسان بهره‌مند شوند (Rostami et al., 2016). این موضوع به‌ویژه در مناطقی که اقوام مختلف در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، مانند کرکوک و نینوا، آشکارتر است، زیرا تعیین زبان آموزش در مدارس اغلب تحت فشارهای سیاسی و تنش‌های قومی قرار دارد. در بسیاری از مناطق عراق، نبود سیاست‌های شفاف و منسجم برای مدیریت این تنوع زبانی باعث افزایش احساس تبعیض و نارضایتی در میان اقوام شده است. تمرکز تاریخی بر زبان عربی و کمبود بودجه یا برنامه‌های اجرایی برای آموزش زبان‌های اقلیت، منجر به به حاشیه رانده شدن برخی زبان‌ها در مناطق چندزبانه شده است (Shamseddini et al., 2021). این نابرابری در دسترسی به آموزش زبان مادری، بازتابی از چالش‌های سیاسی بزرگ‌تری است که ناشی از اختلاف نظر میان دولت مرکزی و مقامات محلی درباره توزیع قدرت و منابع است. علاوه بر این، گاهی تلاش برای ترویج یک زبان خاص در مدارس به منظور جلب حمایت سیاسی یا تحکیم هویت ملی، منجر به تشدید تنش‌های قومی و زبانی در برخی مناطق شده است.

از طریق فدرالیسم، اقلیم کردستان توانسته است با حفظ زبان مادری، هویت فرهنگی و تاریخی خود را تقویت کند و همچنین نقش زبان کردی را در مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و نهادهای دولتی تثبیت نماید. این مدل نشان‌دهنده ظرفیت فدرالیسم در حمایت از تنوع زبانی است، زیرا مناطق خودمختار آزادی عمل بیشتری برای تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های زبانی دارند، اما این تنوع در مناطق دیگر عراق هنوز به‌طور کامل تحقق نیافته است. در مقابل، تأثیر اجتماعی فدرالیسم بر تنوع زبانی در مناطق مرکزی و جنوبی عراق متفاوت بوده است. فقدان خودمختاری مشابه اقلیم کردستان و تمرکز قدرت در دولت مرکزی باعث شده است که زبان عربی همچنان به‌عنوان زبان غالب در این مناطق باقی بماند و زبان‌های اقلیت، مانند ترکمنی و آشوری، جایگاه محدودی داشته باشند. این نابرابری زبانی، احساس تبعیض و انزوای اجتماعی را در میان اقوامی که زبان مادری آن‌ها در سیاست‌های دولتی و نظام آموزشی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، تشدید کرده است (Sardarnia & Zare Mehrabadi, 2015). فدرالیسم در عراق، در حالی که فرصت‌هایی برای تقویت زبان‌های محلی در مناطقی مانند اقلیم کردستان ایجاد کرده، در مناطق دیگر به دلیل نبود ساختارهای فدرال مشابه، به‌طور کامل نتوانسته است تنوع زبانی را به‌عنوان یک ارزش اجتماعی فراگیر ترویج دهد. این وضعیت نشان‌دهنده تأکید بر ضرورت ایجاد سیاست‌هایی است که به همه اقوام در چارچوب فدرالیسم فرصت حفظ و تقویت زبان‌های مادری خود را بدهد.

نتیجه‌گیری

فدرالیسم در عراق، به ویژه پس از تصویب قانون اساسی ۲۰۰۵، به عنوان چارچوبی برای مدیریت تنوع زبانی در کشوری با ساختار چند قومی و زبانی مطرح شده است. این نظام، با تأسیس اقلیم کردستان به‌عنوان منطقه‌ای خودمختار، فرصتی برای تقویت حق بر آموزش و استفاده از زبان مادری به‌ویژه برای کردها فراهم کرد.

اقلیم کردستان نشان داد که چگونه فدرالیسم می‌تواند زمینه‌ساز حفظ هویت فرهنگی و زبانی باشد، زیرا سیاست‌های محلی در این منطقه موجب گسترش زبان کردی در مدارس، دانشگاه‌ها، رسانه‌ها و حتی ادارات دولتی شده است. این موفقیت بیانگر قابلیت‌های فدرالیسم در حمایت از زبان‌های مادری است، مشروط بر اینکه مناطق خودمختار اختیار کافی برای سیاست‌گذاری‌های بومی داشته باشند. با این حال، این الگو در دیگر مناطق عراق که نظام فدرالیسم تا حد کافی توسعه نیافته یا ظرفیت اجرایی مشابه اقلیم کردستان را ندارد، محقق نشده است. یکی از چالش‌های اصلی در بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های فدرالیسم در عراق، نبود یک رویکرد جامع و منسجم در سراسر کشور برای تضمین حقوق زبانی اقوام مختلف است. در مناطق مرکزی و جنوبی، که زبان عربی سهم غالب را دارد، زبان‌های مادری اقوام اقلیت مانند ترکمن‌ها، آشوری‌ها و مندائی‌ها به حاشیه رانده شده و سیستم آموزشی نیز عمدتاً بر آموزش به زبان عربی متمرکز بوده است. فقدان تمرکز بر حقوق زبانی در این مناطق، باعث ایجاد احساس تبعیض و نادیده گرفته شدن میان اقوام شده و حتی گاهی منجر به تنش‌های اجتماعی و قومی گردیده است. این نشان می‌دهد که فدرالیسم در عراق هنوز نتوانسته است به‌طور کامل به وظیفه خود در ارائه فرصت‌های برابر زبانی و فرهنگی به تمام اقوام کشور عمل کند. از سوی دیگر، فدرالیسم در عراق با چالش‌هایی نظیر اختلافات سیاسی میان دولت مرکزی و مناطق، کمبود منابع مالی، و عدم توافق بر سر نقش اقوام و زبان‌های مختلف همراه بوده است. مناطقی که تنوع زبانی بیشتری دارند، مانند کرکوک و نینوا، اغلب در معرض رقابت‌های سیاسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند که این امر مانع از اجرای سیاست‌های مؤثر زبانی شده است. علاوه بر این، ضعف زیرساخت‌های آموزشی و نبود اراده سیاسی کافی باعث شده است بسیاری از زبان‌های اقلیت، به‌رغم رسمی بودن در قانون اساسی، نفوذ محدودی در نظام آموزشی و کاربردهای

گروه‌های مختلف منجر شود. با این حال، موفقیت چنین طرح‌هایی به همکاری میان دولت مرکزی و مقامات محلی وابسته است و باید تعادل میان منافع ملی و منطقه‌ای به‌گونه‌ای حفظ شود که هیچ قوم یا زبان خاصی احساس تبعیض یا نابرابری نداشته باشد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The concept of federalism in Iraq, especially in the context of linguistic diversity and the right to mother tongue education, represents a pivotal shift in how the country governs its multiethnic and multilingual population. Iraq's demographic fabric, woven from Arabs, Kurds, Turkmen, Assyrians, and others, presents inherent challenges for a centralized governance model in preserving minority identities. The implementation of the 2005 Constitution marked a critical point in redefining state-society relations, offering a federalist structure that legally recognizes the cultural and linguistic rights of various ethnic groups. Within this constitutional framework, Arabic and Kurdish were designated as official languages, with provisions for minority languages like Turkmen and Assyrian to gain semi-official status in areas where these groups constitute a demographic presence. This policy shift was not merely symbolic; it offered a legal pathway for linguistic minorities to institutionalize their languages within educational systems and local governance, echoing the principles seen in other federal states such as Canada and Switzerland, where decentralization serves as a mechanism for empowering local cultural expressions (Ahmed, 2023; Zangeneh, 2013).

رسمی داشته باشند. این وضعیت نیاز به اصلاحات گسترده در ساختار فدرالیسم و سیاست‌های اجرایی مرتبط با تنوع زبانی را بیش از پیش آشکار می‌کند. فدرالیسم همچنین این ظرفیت را دارد که از طریق تقویت سیاست‌های خودمختار محلی و حمایت قانونی، به اقوام اجازه دهد که زبان مادری‌شان را حفظ و گسترش دهند. برای تحقق این امر، دولت مرکزی باید چارچوب‌های پایداری ایجاد کند که مناطق بتوانند بدون موانع سیاسی یا مالی، فرصت آموزش و استفاده از زبان‌های اقلیت را تضمین کنند. تجربه اقلیم کردستان نشان داده است که چنین سیاست‌هایی می‌تواند به تقویت هویت قومی و کاهش نارضایتی‌های اجتماعی در میان

However, while the theoretical foundations of Iraqi federalism suggest inclusivity and multicultural accommodation, the practical implementation remains inconsistent across regions, highlighting the dichotomy between constitutional promises and administrative realities.

A closer look at the relationship between federalism and linguistic rights in Iraq reveals an intricate balance between decentralization and national unity. Federal systems, by their nature, emphasize local autonomy in policymaking, allowing regions to tailor cultural, linguistic, and educational policies to local demographics. In the case of the Kurdistan Region, the adoption of Kurdish as the medium of instruction across all levels of education, as well as its use in public administration, illustrates a relatively successful localization of governance. Educational institutions such as Salahaddin University have played a central role in advancing the Kurdish language in academic and scientific domains, thereby reinforcing Kurdish identity while also fostering regional development (Abbasi, 2018; Hechter, 2020). This is further supported by the proliferation of Kurdish media and literary production, which has reinforced both the symbolic and practical importance of linguistic autonomy.

Yet, such progress is largely confined to the Kurdish region, whereas central and southern Iraq continue to grapple with deeply entrenched Arabization policies from previous regimes, limited infrastructure for multilingual education, and a lack of political will to prioritize minority language inclusion. These regional disparities point to an uneven landscape in which federalism's promise of inclusive governance remains unrealized for many ethnic communities, particularly the Turkmen, Assyrian, and Mandaean populations.

The historical trajectory of linguistic policy in Iraq further complicates contemporary implementation. Under successive Arab nationalist governments, especially during the Baathist era, the policy of Arabization systematically marginalized non-Arab languages, severely curtailing the educational and cultural rights of minorities (Hadi Al-Shukrawi, 2021). The fall of Saddam Hussein's regime and the establishment of a new constitutional order created a window for linguistic pluralism; however, structural legacies of centralization and decades-long suppression of minority languages continue to influence current institutional practices. The re-introduction of Kurdish in public life was facilitated by the existing autonomous status of the Kurdistan Region, but other regions with substantial minority populations lacked the institutional capacity or political leverage to enact similar reforms. For example, although the 2005 Constitution guarantees the right to mother tongue education in areas like Kirkuk and Nineveh, implementation has been sporadic and dependent on local political dynamics. Moreover, budgetary limitations, teacher shortages, and lack of standardized curricula in minority languages further inhibit the realization of linguistic rights. This reflects broader tensions between centralized control and regional autonomy, where federalism as a

legal framework is undermined by political fragmentation and resource asymmetries.

Comparative analysis with other multilingual federations reveals both the potential and limitations of Iraq's model. In India, linguistic federalism is institutionalized through state-level language recognition, providing a relatively stable mechanism for accommodating diversity. Each Indian state has the authority to determine its official language(s), allowing communities to maintain linguistic heritage while contributing to national unity. Switzerland similarly employs a well-integrated multilingual policy with four national languages, underpinned by strong federal guarantees and cultural subsidies. These examples contrast sharply with Iraq, where the decentralization process is not matched by robust administrative frameworks or national consensus on minority rights (Abdolzahra, 2016; Najafi et al., 2016). The Canadian model, particularly the bilingual framework in Quebec, further underscores how language policy can serve as a tool for conflict mitigation and cultural empowerment. Nevertheless, all these systems also encounter periodic tensions, suggesting that federalism is not a panacea but rather a flexible tool that requires consistent political commitment, intergovernmental cooperation, and civic engagement to function effectively. Iraq's experience demonstrates the risks of partial decentralization, where select regions gain autonomy while others remain bound to a centralized model that neglects local diversity. Legal instruments at both the national and international levels provide a normative foundation for linguistic rights, yet their enforcement in Iraq remains uneven. Article 4 of the Iraqi Constitution acknowledges Arabic and Kurdish as official languages, with space for other languages to be used locally in education and administration. However, the implementation of these provisions often relies on local political dynamics rather than

national policy coherence (Abdulkareem et al., 2021). Beyond the national constitution, international frameworks such as the International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR) and the Convention on the Rights of the Child (CRC) obligate states to protect minority language rights in education and public life. UNESCO's Universal Declaration on Linguistic Rights similarly emphasizes the right of communities to maintain and transmit their linguistic heritage. Iraq's legal architecture nominally aligns with these instruments, but operational gaps persist. For instance, while Kurdish education is supported in the north, Turkmen and Assyrian education initiatives are constrained by inadequate funding, teacher training deficiencies, and a lack of political support. Courts and government offices in many mixed regions do not offer interpretation or translation services in minority languages, further marginalizing these communities. This legal fragmentation reflects a broader pattern of selective implementation and highlights the urgent need for mechanisms to monitor and enforce constitutional rights across all Iraqi provinces. The sociopolitical implications of Iraq's linguistic diversity intersect directly with its educational policies and national cohesion strategies. In regions like the Kurdistan Region, the integration of Kurdish into the education system has fostered a sense of cultural pride and political agency among Kurdish youth, facilitating both social mobility and civic participation. Conversely, in central and southern Iraq, the dominance of Arabic in schools, media, and government has led to the gradual erosion of minority languages, weakening intergenerational linguistic transmission and fueling perceptions of marginalization (Sardarnia & Zare Mehrabadi, 2015). In multiethnic areas such as Kirkuk and Mosul, the politicization of language education often mirrors broader ethnic tensions, with

communities contesting the language of instruction as a proxy for political control. The absence of clear, inclusive policies exacerbates these divisions and undermines the integrative function of the education system. The long-term effects include educational underachievement among minority students, reduced civic engagement, and the entrenchment of ethno-linguistic cleavages. Therefore, the challenge for Iraq is not merely to allow linguistic diversity in theory, but to cultivate a pluralistic educational environment that normalizes and celebrates multilingualism as a national asset rather than a liability.

In conclusion, federalism in Iraq holds the theoretical promise of fostering linguistic inclusion and cultural diversity, yet its success depends on consistent and equitable implementation across all regions. While the Kurdistan Region exemplifies how local autonomy can enhance language rights and educational opportunities, other regions lag due to political inertia, institutional weaknesses, and a lack of coherent national policy. The disparities in the recognition and promotion of minority languages reflect deeper structural inequalities that threaten both social cohesion and democratic legitimacy. For federalism to serve as a genuine mechanism for cultural empowerment, Iraq must invest in legal enforcement, infrastructural support, and inclusive governance practices. Equally crucial is the need for public education campaigns and community engagement initiatives that promote mutual respect and intercultural dialogue. Only through a balanced, rights-based approach to federalism can Iraq transform its rich linguistic diversity from a source of division into a foundation for national unity and sustainable development.

References

- Abbasi, A. H. (2018). *Dark Pages of Iraq's Ba'ath Party*. Publications of the Supreme Council for the Islamic Revolution in Iraq.
- Abdollahpour, A., & Hajimineh, R. (2020). Examining the Party System in Iraqi Kurdistan from the Perspective of Fredrich's Consociational Society. *Political and International Studies*(42), 169-190.
- Abdolzahra, Y. (2016). *Analysis of National Security Policy-Making in Iraq*.
- Abdulkareem, S., Kawa, Y., Abdullah Omar, K., & Ayad Yasin, H. (2021). Minorities in Iraqi Constitution: A Critical Analysis of the Legal Discourse. *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education*, 12(2), 286-290. <https://doi.org/10.17762/turcomat.v12i2.713>
- Ahmadi, K. (2019). *Iraq After the Fall of Baghdad*. Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Ahmed, A. J. (2023). *Federalism and Decentralization in Iraq*.
- Asadi, A. A. (2016). *The Process of State-Nation Building in New Iraq*. Andisheh Sazan Noor Institute.
- Bazyar, A. (2020). *Federalism in Iraq*. Aryan Ghalam Publications.
- Boudaghi, J., Khalili, M., & Heidari, A. (2021). Historical and Future Trends of Federalism in Iraq. *Geopolitics*, 17(1), 84-115.
- Ezati, E., & Nanva, S. (2011). Examining the Transition of Iraq's Political Structure from Centralized to Federalism and Its Effects on Iran's National Security.
- Gunter, M. M. (2011). *The Kurds Ascending: the Evolving Solution to the Kurdish Problem in Iraq and Turkey*.
- Hadi Al-Shukrawi, A. (2021). *The Problematic Emergence of Federal Regions in Iraq Between Text and Political Reality*.
- Hafeznia, M. R., Ghorbani-Nejad, R., & Ahmadi Pour, Z. (2008). Comparative Analysis of the Autonomy Model of Iraqi Kurdistan with Autonomy and Federalism Models. *Modares Humanities - Spatial Planning and Development*(2).
- Hassan Al-Anbaki, T. H. (2020). *Iraq Between Administrative Decentralization and Federalism*.
- Hassan Mustafa, J. (2017). *Federalism in Iraq: Crisis of Lack of Mutual Political TrustAD - Iraq: Center for Future Studies*.
- Hechter, M. (2020). *Containing Nationalism*.
- Kane, S., Hiltermann, J. R., & Alkadiri, R. (2012). "Iraq's Federalism Quandary". *The National Interest*(118), 20-30. <https://doi.org/10.1080/07036337.2010.526711>
- Khoubarou Pak, M. R. (2020). *Federalism in the Third World*. Hezar Publications.
- Manooyi, F., Shams Borhan, I., & Mousazadeh, E. (2022). Administrative and Ethnic Federalism: Comparative Study of Federal Systems in Iraq and Germany. *Public Law Studies*, 52(2), 641-660.
- Marlin, M. (2016). "Concepts of "Decentralization" and "Federalization" in Ukraine: Political Signifiers or Distinct Constitutionalist Approaches for Devolutionary Federalism?". *Nationalism and Ethnic Politics*, 22(3), 278-299. <https://doi.org/10.1080/13537113.2016.1203695>
- Mohammed, F., & Derayee, R. (2012). "Majority of Iraqi Kurds Support an Independent Kurdistan: New Poll". *Kurdnet*.
- Moradi, J. (2022). Challenges of Establishing a Provincial Government in Iraqi Kurdistan. *Mesopotamian Political Studies*(1), 1-29.
- Mouloud, M. O. (2019). *Federalism and the Possibility of Its Implementation as a Political System (Iraq as a Model)*. Mokrian Foundation for Printing and Publishing.
- Najafi, F., Masoudnia, H., Imam Jomehzadeh, S. J., & Nasaj, S. J. (2016). Federalism and the Power Triangle (Shias, Kurds, and Sunnis) in the Political Structure of Modern Iraq. *Contemporary Political Studies*, 7(1).
- Najm Eidani, M., & Shaker Amin, H. (2015). The Problematic Experience of Federalism in Iraq. *Journal of Legal and Political Sciences, Kirkuk University*.
- Noormohammadi, M. (2017). The Impact of Federalism on Ethnic Conflicts: Case Study of Iraq. *Strategic Policy Research*, 7(21), 175-196.
- Pourahmadi, H., Ghafari-Nejad, M., & Kazemi, H. (2017). Democracy by Force and Its Challenges in Iraq. *International Political Approaches*, 8(1), 71-95.
- Rostami, F., Imam Jomehzadeh, H., & Nasaj, H. (2016). Federalism and the Power Triangle (Shias, Kurds, and Sunnis). *Political and International Studies*, 7(1), 161-183.
- Saei, A., & Moradi, J. (2011). Challenges of Federalism in Iraq. *Political and International Studies*, 3(7), 31-58.
- Sajedi, A., & Amjadiyan, F. (2011). The Impact of Federalism in Iraqi Kurdistan on Political and Ethnic Norms of Iranian Kurds. *Encyclopedia (Science and Research Unit)*, 57-80.
- Sardarnia, K., & Zare Mehrabadi, M. (2015). Federalism and Political Culture in Iraq. *Foreign Relations*, 7(1).
- Seifzadeh, H. (2018). *Iraq: Structures and Processes of Political Tendencies* PB - Center for Islamic Revolution Documents.
- Shamseddini, S., Mortezaei, S. K., & Navabakhsh, M. (2021). The Link Between Pluralism and Federalism with Emphasis on Consociational Democracy (Case Study: New Iraq). *Political Science*, 17(1), 139EP - 162.
- Taheri, E., & Shateri, A. (2018). The Future of Federalism in Iraq and Syria and Its Impact on

Iran's Strategic Interests in the Middle East.
Middle East Studies(94), 153-172.

Wing, J. (2012). New Public Opinion Poll on Iraqi Kurdistan's Independence.

Zangeneh, M. P. Y. (2013). Proposed Iraqi Army Base in Kurdistan Creates Tension". *Asharq Alawst Proposed Iraqi Army Aase in Kurdistan Creates Tension Comments*.